شهر عدل مهدوي

دكتر پور عزت

اشاره

شوق انتظار جان‌مايه حركت براي گذر از وضع موجود به سوي وضع مطلوب است؛ حركتي كه بايد با شناسايي مقصد آغاز گردد و بدان سو متمايل شود؛ و در اين حال، آحاد جامعه يا سالك راه نجاتند و يا غوطه ور در سيد قهقرايي جاهليت مدرن. شعور منتظران دستمايه ادراك حقيقت شهر عدل در امتداد نگاه آنان است؛ منتظراني كه مكلف به احياي شهر صالحان بوده، مسؤول حفظ و حراست از آنند؛ شهري كه به آرزوها و تمايلات كمال‌جويانه و حق طلبانه انساني ميبخشد و تصويرگران آن، بسيج آگاهانه گروههاي متنوع و متكثر مردم براي تحقق جامعه موعود است؛ شهري كه مختصات آن مقيد به اصول خردنامه و هنر است؛ شهري كه روابط اجتماعي مردم آن نمايانگر تمام خردمندي و كمال زيبايي است.

و در واقع، سرشت تصوير بصيرت‌بخش از آينده موعود و راهبرد فوق فعال انتظار هزارهاي جامعه انساني همين عقلانيت و زيبايي است.

واژهها و اصطلاحات رهنما:

1. مسير حركت 2. مبدا و مقصد 3. شعور و ظهور 4. شهر صالحان 5. شهر خرد و زيبايي

6. تصويرپردازي بصيرت بخش 7. انتظار هزارهاي

مقدمه

هر آن‌كه عزم حركت ميكند، طرحي از مسير و مقصد در انديشه دارد. انتظار نيز طليعة حركتي براي گذر از وضع موجود به سوي وضع مطلوب است؛ حركتي كه بايد با شناسايي مقصد آغاز گردد؛ مقصدي كه اگر شناخته نشود، مرگ آدمي چون مرگ جاهلي است، در عميق‌ترين لايههاي جهل، ناآگاهي، جمود و سكون.

.... اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني. اللهم لاتمتني ميتة جاهلية و لا تزغ قلبي بعد اذ هديتني. 1

من مات و ليس له امام فميتته ميتة جاهلية.2

بديهي است كه چنين عقوبت سنگيني در برابر كوتاهي و تقصيري بزرگ تعيين مي‌شود. پس منظور از شناخت امام، شناخت او برحسب ويژگيهاي ظاهري و نسب او نيست.

مخاطب دعا حكيمي است كه به عبث حكم نميكند و خود اساس عدل و ميزان است؛ پس اگر مرگ ناآشنا با امام زمان (عج) مرگ جاهلي است، مراد از شناخت امام و آشنايي با او چيزي فراتر از شناخت ظاهري است. چه بسا گمراهاني كه او و اجدادش را به درستي تا ابراهيم مي‌شناختند، ولي با راه، شيوة حكومت و مقصد او ناآشنا بودند و به كام مرگ جاهلي فروافتادند.

بنابراين مقصود از اين شناخت، شناختي شوق انگيز براي شروع حركت است؛ حركت به سوي تحقق خواستههاي او و امت او در احياي ((شهر عدل))؛ شهري كه در آن، اهداف امام و امت و منتظِر و منتظَر به هم ميآميزند؛ شهري كه در امتداد صراط مستقيم و طريق الوسطي به دست صالحان تحقق مييابد و به همان‌ها به ارث ميرسد.3

سخن از راهي طولاني است كه هر لحظه سكوت و غفلت از سير در آن، ممكن است انحرافي جبران‌ناپذير در پي‌داشته باشد، اما مختصات اين راه و مقصد آن (شهر عدل موعود) كدام است و چگونه مسير كاروانيان در آن استمرار مييابد و احيا ميگردد؟

بنابر دلالتهاي قرآني و روايي، احياي اين شهر، حاصل تلاش و كوشش نسلي از بني آدم است كه با مجاهدت خود، به شايستگي زندگي در شهر عدل صالحان دست مييابند؛

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون( (ان في هذا لبلاغاً لقوم عبدين (انبياء/ 105 و 102)

1. و در زبور، پس از تورات، نوشتيم كه مسلماً زمين را عباد صالح به ارث خواهند برد و به يقين در اين سخن پيام رسايي است براي قومي كه بنده خداوندند.

وعدالله الذين امنوا منكم و عملوالصالحات ليستخلفنهم في الارض كما.....

(نور/ 88)

2. خداوند به كساني از شما كه ايمان آورند و اعمال صالح انجام دهند، وعده داده است كه قطعاً آنان را در زمين به خلافت خواهد رساند... .4

در واژههاي ((صالحون)) و ((صالحين))، حدي از صلاحيت مورد نظر است كه حضرت ابراهيم عليه السلام پس از آن همه مجاهدت و مقاومت در راه خدا، در آخرت به آنان ملحق ميشود.5

آيه 105 از سوره انبيا بشارت ميدهد كه به زودي زمين از شرك و گناه پاكيزه ميگردد و جامعه‌اي صالح و موحد در آن زندگي خواهند كرد.6

آيه 55 سوره نور نيز به اهل ايمان و عمل صالح مژده ميدهد كه به زودي جامعة صالحي مخصوص آنان ايجاد ميشود و زمين در اختيار آنان قرار ميگيرد. دين آن‌ها متمكن گشته، امنيت برقرار ميشود؛ امنيتي كه در ساية آن از شر كفار و منافقان در امان باشند و آزادانه خدا را عبادت كنند.7

و نعمتي كه خداوند ارزاني ميدارد، پايدار است، مگر اين‌كه مردم وضع خويش را به دست خويش دگرگون سازند:

ان الله لايغير ما بقوم حتي يغيروا ما بانفسهم (رعد/ 11)

3. و خدا نعمتي را كه نزد گروهي است تغيير نميدهد، تا هنگامي كه آنان آن‌چه را در ضمير دارند، تغيير دهند.8

اگر دليل بقاي يك نعمت، شايستگي و صلاحيت است، ميتوان استفاده كرد كه با بازگشت به مراتبي از شايستگي و صلاحيت، نعمت‌هاي از دست رفته باز ميگردد و شرايط زندگي اقوام، بهبود مييابد.

مسير كسب شايستگي به سوي مقصدي آرماني و والا است؛ مقصدي كه آشنايي با مختصات آن، بر شوق منتظران ميافزايد و استقامت آنان را فزوني ميبخشد. بنابراين تصويرپردازي آينده موعود، راهبردي است براي افزايش اشتياق منتظران به حيات در ((شهر عدل)).

شعور و ظهور؛ دورنماي شهر عدل در امتداد نگاه منتظران

گويا سير تاريخ حكايت مكرر تنهايي غم‌انگيز معصوم در راه وصال به شهر عدل است؛ تنهايي وصف‌ناپذيري كه حيات دنيوي را با خار در چشم و استخوان در حلقوم و همزيستي با جاهلاني كه ظاهري از آدمي دارند، در شمار دشوارترين شكنجهها قرار مي‌دهد.9

قابل تأمل است كه تحقق ((شهر عدل)) وعده خداوند حكيم است؛ حكيمي فارغ از قيود زمان و مكان كه عزم او بر تحقق چيزي همان وقوع آن است: واذا قضي امرا فانما يقول له كن فيكون.10

حكيمي كه كار عبث نميكند و نعمتش را فقط براي شايستگان پايدار ميسازد و حضور و حيات وي در شهر عدل را براي صالحان مخصوص ساخته است. 11

گويا شعور و بلوغ پيروان، حلقة مفقوده معادلهاي است كه پاسخ آن، كليد افتتاح شهر عدالت است؛ زيرا همواره مردم، زمامداراني چون خود خواهند داشت.12

با دقت در سيره معصومان عليهم السلام و با اعتقاد به وحدت روية آنان در برخورد با انواع پديدهها،13 امكان تشخيص حق از باطل فراهم ميآيد. سيرة اماماني كه همگي مفسر، توضيح دهنده و متجلي كننده حقايق دين پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله بودند و در همه حال، عين گفتار، كردار و سيرت پيامبر را نمايان ميساختند.14

پس هرگاه شعور و بلوغ اجتماعي به ميزاني رسيد كه جامعه از شايستگي پيروي از معصومان برخوردار گردد، آن‌ها به حكومت قيام نمودند و هرگاه جامعه به سوي ديگران شتافت، طريق ديگري براي هدايت تدريجي مردمان برگزيدند.15

امام در اوج كمال علمي و معنوي، به امامت ميرسد و طبق حكم خالق، اطاعت از امر او بر ديگران وجوب مييابد؛ به طوري كه نه در حكم خدا تغييري ايجاد ميشود و نه در مشي امام. پس استدلال ميشود كه آن‌چه تحقق شهر كمال‌يافتگان، صالحان و عدالت‌پيشگان را به تأخير مياندازد، ضعف در توان و تمايل16 پيروان است. براساس اين استدلال، بلوغ و شعور پيروان، لازمة تحقق ظهور و قيام براي تحقق شهر عدل است؛ بلوغ و شعور لازم براي ادراك حقيقت عدالت و تمايل به قيام و پايمردي براي احياي آن!

سيرة معصوم عليهم السلام همواره بر حمايت از عامه مردم تأكيد داشته، آنان را ستون دين ناميده و نقش آنان را در تحقق عيني حاكميت مورد توجه قرار داده است (ر.ك: جدول1).

رديفمتن نمونه سخنانمنبع1. نامه به مالك اشترستون دين، انبوهي مسلمانان و ساز و برگ در برابر دشمنان عامه مردم هستند، پس بايد گرايش تو به آنان و ميل تو به سوي ايشان باشد (ر.ك. نهج‌البلاغه، ترجمه آيتي، ص 723).نهج البلاغه، نامه 532. درباره مردمي كه به والي نياز دارند يا با او كار دارندمن از رسول الله صلي الله عليه و آله بارها شنيدم كه مي‌گفت: ((هرگز پاكيزه نمي‌گردد امتي كه در ميان آن‌ها حق ناتوان بدون لكنت زبان، از توانمند بازستانده نشود))؛ پس تحمل نماي درشت‌گويي يا عجز آن‌ها را در سخن گفتن (ر.ك. همان، ص 741).همان، نامه 533. درباره عثمان و كشته شدن اوخودكامگي نمود و در اين خودكامگي بد كرد؛ شما نيز ناشكيبايي كرديد و در اين ناشكيبايي بد رفتار كرديد (ر.ك. همان، ص 91).همان، خطبه 304. دربارة چگونگي رفتار والي با مردمزنهار از اين‌كه به نيكي كردن، منت بر مردم نهي، يا درباره آن‌چه از جمله اعمالت بوده بزرگ‌نمايي كني، يا به مردم وعده دهي و خلاف آن نمايي؛ كه همانا منت نهادن، نيكي را باطل ميسازد، و بزرگ‌نمايي روشني حق را ببرد و خلف وعده سبب برانگيختن خشم خدا و مردم شود (ر.ك. همان، ص 749).همان، نامه 535. دربارة مردم حق طلبخدا بيامرزد كسي را كه حقي را ببيند و آن را ياري دهد و ستمي را ببيند و آن را دور سازد و صاحب حق را در گرفتن حقش يار باشد (همان، ص 477).همان، خطبه 196عنوان جدول: جدول 1. گزيده سخنان امام علي ((عليه السلام)) دربارة اهميت توجه به مردم و نقش آن‌ها در استقرار حكومت عدل و نفي استبداد

تاكنون هرگز شنيده نشده و در هر گزارش معتبري مشاهده نشده است كه روش معصومان عليهم السلام، حتي براي نجات مردم، به استبداد گرايش يابد.17

براساس نظريههاي رهبري، ميتوان چهار حالت كلي را در نظر گرفت كه در آن‌ها سبك مطلوب رهبري برحسب ميزان بلوغ و شعور پيروان تعيين ميشود.

در حالتي كه توانايي افراد براي فعاليت كم باشد و تمايل آن‌ها به انجام كار نيز اندك باشد، كم‌ترين ميزان بلوغ و آمادگي در ميان پيروان مشاهده ميشود؛ در چنين وضعيتي استفاده از سبكهاي رهبري ((دستوري و شبه‌استبدادي)) توصيه ميشود.

هنگامي كه توانايي افراد كم باشد، ولي علاقة آن‌ها به انجام فعاليت زياد باشد، سطح بلوغ پيروان، متوسط يا نسبتاً پايين برآورد ميشود و استفاده از سبك رهبري ((استدلالي ـ تشويقي)) توصيه ميگردد.

در صورتي كه افراد از توانايي مطلوبي برخوردار باشند، ولي علاقهاي به انجام كار نداشته باشند، توصيه ميشود كه از سبك رهبري ((مشاركتي)) استفاده گردد.

اما اگر وضعيت به گونهاي باشد كه افراد هم از توانايي مطلوب و هم از تمايل زياد به انجام كار برخوردار باشند، رهبر ميتواند با استفاده از سبك ((تفويضي))، انجام كار را برعهده پيروان گذارده، مسئوليت آن را نيز به ايشان تفويض نمايد. بنابراين چهار حالت كلي شكل ميگيرد (نمودار 1).

سبك تفويضي

(انجام كار و مسئوليت آن به خود افراد واگذار ميشود)سبك مشاركتي

(كار با مشاركت افراد و سهيم كردن آن‌ها در نتيجه انجام ميشود)سبك استدلالي ـ تشويقي

(با حمايت و تشويق كاركنان و هدايت آن‌ها به انجام كار مبادرت ميشود)سبك دستوري

(انجام كار از طريق دستورات صريح و روشن از كاركنان مطالبه ميشود) جدول 1: انواع سبك‌هاي رهبري متناسب با ميزان بلوغ پيروان.18

بدين ترتيب، هنگامي از سبك دستوري استفاده ميشود كه كم‌ترين حد بلوغ در ميان كاركنان مشاهده شود؛ ولي با افزايش بلوغ كاركنان، به‌تدريج از سبك‌هاي استدلالي، مشاركتي و تفويضي نيز بايد استفاده كرد؛ اما به نظر ميرسد در حالتي كه سطح بلوغ مردمان پايين است، هر حركتي براي تشكيل حكومت عدل با شكست مواجه ميشود و هرگونه تلاش براي نيل به اين مقصود، همانند كشت در زمين ديگران است.19

بنابراين هرچه ميزان بلوغ و شعور افراد جامعه افزايش يابد، برامكان كاميابي در تحقق شهر عدل افزوده ميشود (نمودار 2).

احتمال تحقق جامعه عدل موعود

بلوغ و شعوربالا (جامعه‌صالحان)بلوغ و شعور نسبتاً بالابلوغ و شعور متوسطبلوغ و شعور نسبتاً پايينبلوغ و شعور پايين (جامعه فاسد) بدين ترتيب، يكي از مهم‌ترين و مؤثرترين اقدامها براي تعجيل در ظهور و استقرار حكومت عدل پايدار، سوق دادن جامعه به سوي تركيب اجتماعي ((جامعه صالحان)) است؛ يعني شكلدهي جامعهاي كه در آن افراد حق طلب، زياد و افراد عدالت‌گريز، عدل‌ستيز و خردستيز در حداقل باشند.

شايد يكي از مناسبترين و كارآمدترين استراتژيهاي اقدام براي هدايت سيستم اجتماعي به وضعيت حقمدار، ارائه تصويرهاي بصيرت‌بخش از وضعيت مطلوب آينده باشد.

اين اقدام را ميتوان نوعي ((واكنش فوق فعال)) در برابر وضع موجود و تصويرپردازي‌هاي القاگرانة ديگران تلقي كرد.20

بدين ترتيب، با ارائة تصويري مناسب از وضعيت هدف، امكان اجماع نيروها و گروه‌هاي متفرق در سيري اصلاح‌طلبانه به سوي آينده فراهم ميآيد؛ اجماعي كه ميتواند مقدمه شكلگيري ((امت)) باشد.

براين اساس، پرسش‌هايي قابل طرح است:

1. چگونه ميتوان بدون تحميق تودهها و القا به ناخودآگاه آن‌ها و بدون كم‌ترين تمايل به راهبردهاي تزويرمدار، جامعه را به سوي تحقق شهر عدل سوق داد؟

2. ترسيم تصوير بصيرت‌بخش از آينده، بايد بر چه مبنايي انجام شود؟

3. الزامات حاكم بر فراگيري تصويرپردازي از آينده كدامند؟

4. يك تصوير بايد از چه ويژگيهايي برخوردار باشد تا بتوان آن را بصيرت‌بخش ناميد؟

مباني و شاخصهاي اصلي تصويرپردازي ـ تمام خرد و كمال هنر

اگر تصويرپردازان بخواهند مختصات جهان آينده را به گونهاي ترسيم نمايند كه شوق مستمر و پايدار مردم را به تحقق آن برانگيزانند، بايد با تعهد به حقيقت، به دو مبناي مهم پايبند باشند: عقلانيت و زيبايي.

انسانها رشد ميكنند، فرهنگها تغيير ميكنند و تمدنها متحول ميشوند؛ با وجود اين، هرگز آن‌چه كه آدميان به طور منطقي دريافتهاند، دگرگون نميشود. انسانها هرگز نميتوانند باورهاي قطعي عقلاني خود را از نظر دور دارند. در واقع براي نفوذ بر انديشه آدمي، هيچ چيز مؤثرتر از ((منطق)) نيست.

البته در طول تاريخ، عدهاي يافت شدهاند كه با شك بر واقعيتها، در زنجير ترديد ناشي از تحليل‌هاي سفسطي اسير شده، كاركرد مفيد و سازنده بخش عمدهاي از نيروهاي اجتماعي را از ميان بردند؛21 با اين حال، همواره پايدارترين باورهاي انساني، بر مباني عقلايي و اصول منطقي مبتني بودهاند. اما در شرايط موجود، با توجه به محدوديتهاي آدمي، دستيابي به شرايط تصميمگيري كاملاً عقلاني، بعيد به نظر ميرسد؛ مگر در موارد استثنايي كه گزينههاي تصميم بسيار محدود و معين باشند. از اين رو آدمي معمولاً به عقلانيت نسبي اعتماد ميكند و تصميم ميگيرد تا اگر نميتواند به وضعيت بهينه دست يابد، دست كم از وضعيت رضايتبخش برخوردار گردد.22

هم‌چنين تمايل آدمي به ادراك زيباييها و شوق ادراك زيباييها، محرك مهمي است كه در عاليترين سطوح بلوغ انساني، مشوق رفتار آدميان است.

در واقع، اگر عقلانيت راستا و مسير حركت صحيح را مشخص ميكند، شوق زيبايي‌شناسانه، نيرو و حرارت ضروري براي حركت را فرا راه آدمي قرار ميدهد. اما زيباييهاي قابل ادراك در شرايط عادي، نسبي و زوال پذيرند. در وضع موجود، آدمي شيفته و مفتون چيزهايي ميشود كه به اقتضاي دنيايي بودن، رنگ ميبازند و او را در حسرت خود تنها مي‌گذارند. بنابراين آدمي درگير سيري يادگيرنده و رو به اصلاح در دو جهت مكمل است:

ـ سير به سوي دريافت هرچه دقيقتر مباني عقلاني براي تطهير تصورات، رفتارها و كنشهاي فردي و اجتماعي؛

ـ سير به سوي ادراك هر چه ظريف‌تر مباني زيبايي‌شناختي تصورات، رفتارها، تعاملات فردي و اجتماعي.

اگر اين دو تمايل فطري آدمي مدنظر قرار گيرند، هيچ نهايتي را نميتوان تحقق آرمان‌هاي انساني فرض كرد، مگر آن‌كه در آن حالت، عقلانيت به تمام و زيبايي به كمال حاصل گردد.

يعني پايان كار انسان در بهترين وضعيت قابل تصور، وضعيتي است كه رفتارهاي فردي و اجتماعي، دقيقاً منطبق بر اصالت عقل و كاملاً متناسب با حقيقت هنر باشند؛ آن چنان‌كه در كليت خود، جلوههايي از حقيقت اسماي حسناي الهي را نمايان سازند.23

از اينرو بر عهده تصويرپردازان شهر موعود است كه مسير خود را در دو طريق، منطبق بر عقلگرايي علمي و زيبايي‌شناسي هنري استمرار بخشند.

شهر عدل موعود، مظهر عقلانيت و زيبايي

((شهر عدل)) شهري است كه انجام كار آدمي بدان ختم ميشود؛ انجامي كه براساس وعدههاي الهي در اديان توحيدي، مقرون به سعادت و بهروزي عامه مردم خواهد بود؛ مردمي كه در احيا و پايداري اين شهر و حكومت عدل آن نقش اساسي دارند.

حكومت عدل موعود، از ميان مردم برخاسته است و مسئولانش پاسخ‌گوي امتي حكيم و دانشمندند كه امامي عادل و عالم را به پيشوايي خود انتظار كشيدهاند.

امتي كه جز براي احقاق حق و تحقق عدل سؤال نميكند و دائماً امام خود را در امر اصلاح تركيب حكمرانان ياري ميدهد؛ امتي شايسته حيات در شهر عدل، شهر صالحان و شهر خردمندان. در چنين جامعهاي است كه رجوع به آراي عمومي معني پيدا ميكند؛ زيرا مردم به اندازه‌اي از بلوغ و بينش اجتماعي ميرسند كه بدون اثرپذيري از تبليغات برتر احزاب مزورتر، آراي خود را با مصالح خود تطبيق ميدهند.

تداول امر به معروف و نهي از منكر، به طور آگاهانه، اشتباه‌هاي جامعه را اصلاح مي‌نمايد و موجب آن ميشود كه هيچ‌گاه كليت جامعه در خطا متوقف نشود. بنابراين مي‌توان انتظار داشت كه آراي عامه مردم در شهر عدل كاملاً با راي امام و رهبر خردمند و دورانديش آنان منطبق باشد.

نخبگان و اشراف چنين جامعهاي نه با ثروت و قدرت و شهرت بيش‌تر، كه با دانش و حكمت و اخلاص بيش‌تر شناسايي ميشوند و مردم با اقتدا به آن‌ها، به سرچشمههاي حكمت و آگاهي دست مييابند.

در سنت گزارش شده از معصوم(ع)، اشارههاي روايي زيادي درباره سطح عقل و خرد مردمان شهر عدل يافت ميشود (جدول 2).

رديفمتن روايتمنسوب بهمنبع و ماخذمنبع اصلي1چون قائم ما قيام كند، دستش را بر سربندگان مي‌گذارد و عقول آن‌ها را متمركز ساخته، اخلاقشان را به كمال ميرساند.امام باقر عليه السلاممسعود پورسيدآقايي، پيداي پنهان، ص 35 بحارالانوار، ج 52، ص336 و منتخب الاثر ص 482.2در دولت مهدي (عج) به همه مردم حكمت و علم بياموزند.امام باقر عليه السلامپيداي پنهان، ص35. بحارالانوار، ج 52، ص 352.3از ميان فرزندان او (آدم) پيامبراني برگزيد و پيمان وحي را از آنان گرفت، .... و پي در پي رسولان خود را به سوي آن‌ها فرستاد تا.... گنج‌هاي پنهاني عقلها را آشكار سازند.امام علي عليه‌السلام ترجمه امامي ‌و آشتياني ج 10، ص 65.نهج البلاغه، خطبه1.4چه بسيارند افرادي كه براي چيزي عجله مي‌كنند كه اگر آن را به‌دست آورند (پشيمان شده)، دوست دارند هرگز به آن نرسيده بودند و چقدر امروز به فردا نزديك است.... بدانيد كه آن شخص از ما (مهدي) كه آن فتنهها را دريابد، با چراغي روشنگر در آن گام مينهد و بر همان سيره و روش صالحان رفتار ميكند تا گرهها را بگشايد، بردگان و ملتهاي اسير را آزاد سازد، جمعيت‌هاي گمراه و ستمگر را پراكنده و حق جويان پراكنده را گرد هم آورد.... سپس گروهي براي درهم كوبيدن فتنه‌ها آبديده و مهيا ميگردند. هم‌چون آبديده شدن شمشير به دست آهنگر! چشم اينان با قرآن روشني ميگيرد و معاني آياتش گوش آنان را نوازش ميدهد و شامگاهان و صبحگاهان از جام حكمت و معارف الهي سيراب ميگردند.امام علي عليه‌السلامنهج‌البلاغه ترجمه امامي و آشتياني، ج 2، ص151؛ آيتي ص339.نهج البلاغه، خطبه 150.5عدالت را اجرا نتواند كرد، مگر كسي كه آن را به بهترين وجه بشناسد.امام موسي كاظم عليه السلامحكيمي جامعه‌سازي قرآني، ص 167.كافي، ج 1، ص 542.6اي علي بدان كه مردمي در آخرالزمان خواهد آمد كه داراي شگفتانگيزترين ايمانها و استوارترين يقينها هستند، مردمي كه پيامبر را نديدهاند و حجت خدا نيز از نظر آن‌ها پنهان است، با اين حال، از راه نوشته و كتاب (خطي سياه بر كاغذي سپيد) ايمان ميآورند.پيامبر اكرم (ص)جامعه‌سازي قرآني، ص 165. اكمالالدين، ج 1، ص405، بحار، ج 52، ص 125.

دلالت‌هاي روايي گزارش شده درباره مراتب خردمندي و عقلانيت مردم شهر عدل

مختصات اين شهر به گونهاي است كه تمايلات زيبايي‌شناسانة آدميان در ترسيم قواعد و مناسبات اجتماعي را به بهترين شكل پاسخ‌گو باشد.

رهبر اين تمدن، با مراتبي وصف‌ناپذير از زيبايي در رفتار و سلوك فردي و اجتماعي، شناسايي ميشود و رفتار مردم نيز از اين زيبايي تأثير ميپذيرد (جدول 3).

شعار هنر براي هنر بيمعني جلوه ميكند و رسالت هنر به حقيقت خود نزديك مي‌شود؛ حقيقتي كه تلاش به منظور توسعه ادراك اصالتهاي زيباييشناسانه براي عامه مردم و آشنا ساختن آن‌ها با سرشت و جوهر زيبايي‌هاي پايدار را وظيفه هنرمندان ميداند. شهر عدل امام مهدي، شهري است در اوج زيبايي؛ شهري خيره‌كننده كه از جلوههاي نازيباي فقر، بيماري و فساد به دور است و از خانوادههايي منسجم، مستحكم و خلل ناپذير تشكيل ميشود.

هنرمندان اين شهر در جست‌وجوي رموز پايدار زيبايي‌شناسي، طريق هنر را به طريق علم پيوند ميزنند. علم و هنر در خدمت اهداف مقدس انساني قرار ميگيرد؛ اهدافي منطبق با اهداف خلقت در متجلي ساختن اسماي الهي در رفتار و حالات جوامع انساني.

تشبيه حالات و رفتار امام زمان به پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله، حضرت عيسي و حضرت موسي( بر حدود وصف‌ناپذيري از وقار، زيبايي، آراستگي در ظاهر، رفتار و كردار ايشان دلالت دارد؛ زيبايي آميخته با سادگي و بيپيرايگي محيط زندگي. (جدول 3)

بها به معناي نيكويي است و بر زيبايي صورت و سيرت دلالت دارد.24 اين رفتار و سلوك زيبا و موقر، به اجزاي جامعهاي مملو از پيروان مشتاق آموخته ميشود و كل جامعه منعكس‌كننده رفتار و حالاتي از اين‌گونه خواهد شد.

بدين ترتيب، جامعة عدل شكل ميگيرد؛ جامعهاي كه به دليل هم‌سويي با اهداف خلقت، به قابليت بقا و پايداري دست مييابد.25 در اقتدا به امامي كه حسن جمال عالمين است.

نتيجه بحث آن است كه تصويرپردازي از آينده موعود، بايد با تعهد مستمر به دو شاخص مهم صورت گيرد و مستمراً بازپردازي تصاوير پردازش‌يافته در طريق اصلاح قرار گيرد؛ تعهد به عقلانيت كامل‌شده و زيبايي كمال‌يافته.

ختم سخن: تصويرپردازي بصيرت‌بخش و راهبرد فوق فعال منتظران

عدالت مفهومي است كه عميقاً با خردمندي و زيبايي ملازمه دارد؛ به گونه‌اي كه هر چه يك جامعه از عقلانيت ابزاري به عقلانيت ارزشي و جوهري26 و هر چه از زيبايي‌شناسي سطحي و ظاهرگرا به زيبايي‌شناسي عميق و باطن‌گرا نزديك‌تر شود، مختصات شهر عدل را بيش‌تر عينيت ميبخشد.

نمودار 3، رابطة عقلانيت جوهري و زيبايي پايدار با ماهيت مصنوعات توليد شده در جامعه

رديفمتن روايتمنسوب بهمنبع و ماخذمنبع اصلي1مهدي از فرزندان من است، نامش، نام من و كنيهاش، كنيه من است، شبيهترين مردم است به من، از نظر خلق و صورت، و از نظر خلق و سيرت.پيامبر اكرم (ص)پيام امام زمان(عج) 1408، هـ.ق، ص 109.كمالالدين صدوق، صص 286 و 257.2مهدي امت من، شبيهترين مردم به من است، در شكل صورتش و سخنان و رفتارش.پيامبر اكرم (ص)پيام امام زمان ص109.كمال الدين صدوق، صص257 و 286.3مهدي طاووس اهل بهشت است.پيامبر اكرم (ص)پيام امام زمان ص111.بحارالانوار، ج51، ص 91.4چون قيام كند، به عدالت حكومت كند و در زمان او ستم ريشهكن و راهها امن مي‌گردد...امام صادق (عليه‌السلام)پيداي پنهان ص40.منتخبالاثر، ص 308.5مهدي اين امت، از ما است، او از هيبت موسي و بهاء عيسي و قضاوت داوود و صبر ايوب برخوردار است.پيامبر اكرم (ص)پيام امام زمان 1408،ص 107.منتخب‌الاثر، 26.6مهدي ((عليهالسلام)) به كارگزاران خود در تمامي بلاد فرمان ميدهد كه شهرها را آباد سازند.امام صادق پيداي پنهان ص42.روزگار رهايي، ج 2، ص 65.7زمين به وسيله مهدي آباد، خرم و سرسبز ميشود.امام باقر پيداي پنهان ص42.منتخب الاثر، ص157.8مهدي (عج)، اموال را ميان مردم چنان به تساوي تقسيم ميكند كه ديگر نيازمندي يافت نميشود تا به او زكات دهند.امام باقر پيداي پنهان ص 38.بحارالانوار، ج52، ص 390.جدول 3، دلالتهاي روايي گزارش شده درباره مراتب زيبايي و فرزانگي سيرت مهدي و ياران او

هرچه مصنوعات توليدشده در جامعه بيش‌تر در خدمت ترويج فرهنگ عدالتخواهي باشند، جامعه به مختصات شهر عدل نزديك‌تر ميشود.

مصنوعاتي كه عاشقانه طراحي و ساخته ميشوند، در وراي نسلها و گروههاي انساني پايدار مي‌مانند و منتقل ميشوند. وجوه زيبايي‌شناسانه و عقلاني كتابهاي مقدس و انعكاس آن‌ها در آثاري چون نهج البلاغه، صحيفه سجاديه، دعاي عرفه و دعاي كميل كه زيبايي و حكمت را به هم آميختهاند، به توليد مصنوعاتي انجاميدهاند كه در ميان آثار ديگران نظير ندارند.

مصنوعات زيبا، معتبر و پايدار

در واقع، سرّ پايداري و اعتبار ارزش بسياري از آثار هنري، ادبي و ساختههاي فيزيكي (نظير بناهاي باستاني) نيز همين است. براي مثال، آثار شعرايي كه بيش از ديگران از كتاب‌هاي مقدس تأثير پذيرفتهاند قابل مقايسه با آثار ساير شعرا نيست؛ به گونه‌اي كه مقايسه آثار فردوسي، حافظ، نظامي و مولوي با آثار بسياري از شعراي معاصر آن‌ها، اهميت اين شاخصها را بيش‌تر روشن مي‌سازد.

تكامل علم و هنر، راه اديان حقيقي را هموار ميكند؛ به طوري كه به نظر ميرسد پيوند عقلانيت علمي و زيبايي‌شناسي هنري، به شناخت صحيح و معتبر از دين ميانجامد. گويا هرچه عقل و هنر به تمام و كمال ميرسند، مسير بقا بر صراط علم و دين هموارتر مي‌گردد.

بنابراين تصويرپردازان راه آينده بايد در سيري حقگرا و رو به اصلاح (يادگيرنده)، التزام آثار خود را به خردورزي و زيبايي‌شناسي افزوني بخشند. خود بر ساختههاي خود نقد بزنند و تا پايان عمر بر اصلاح آن‌ها اصرار نمايند تا انشاءالله سير جامعه بشري به سوي آيندهاي بنا شده بر عقلانيت علمي و زيباييشناسي هنري هموارتر گردد.

اين هر دو، در مسير توسعه بلوغ و شعور انساني قرار دارند؛ شعور ادراك ظهور مهدي (عج) و همة مظاهر خرد و زيبايي كه با تجلي حكم او بر سيستمهاي اجتماعي ساختة آدميان، مجال ظهور مييابد.

اميد آن‌كه با شناسايي وجوه عقلاني و زيباييشناسانه شهر عدل او، شوق آگاهانة جوامع بر استمرار حركت به سوي احياي آن و كسب شايستگي براي حضور و حيات در آن افزايش يافته، به توسعه شعوري كه مقدمه ادراك ظهور و حيات در شهر عدل امام مهدي (عج) است، بيانجامد.

------------------

فهرست منابع:

1. قرآن كريم، انتشارات اسوه، وابسته به سازمان اوقاف و امورخيريه، 1365.

2. مفاتيح الجنان، گردآوري: حاج شيخ عباس قمي، ترجمه: مهدي الهي قمشهاي؛ مركز نشر فرهنگي رجاء با همكاري مؤسسه جهاني خدمات اسلامي، چاپ 1369.

3. طباطبايي، سيد محمدحسين، الميزان؛ ترجمه دوره بيست جلدي، تهران، بنياد علمي و فكري علامه طباطبايي با همكاري مركز نشر فرهنگي رجاء و مؤسسه انتشارات اميركبير.

4. نهجالبلاغه امام علي، ترجمه: عبدالمحمد آيتي، تهران، بنياد نهجالبلاغه و دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1379.

5. نهجالبلاغه، ترجمه: محمد جعفر امامي و محمدرضا آشتياني، زير نظر ناصر مكارم شيرازي، قم، مدرسه الامام علي بن ابيطالب( 1381.

6. امام زين‌العابدين، صحيفه سجاديه، ترجمه: محمد مهدي رضايي، قم، نشر جمال، 1382.

7. الواني، سيد مهدي، مديريت عمومي، تهران، نشر ني، 1374.

8. الواني، سيد مهدي و شريف‌زاده، فتاح. فرآيند خط مشيگذاري عمومي، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبايي، 1379.

9. پورسيدآقايي، مسعود، پيداي پنهان: نگاهي كوتاه به حيات، سيرت و آثار حضرت مهدي، قم، انتشارات حضور، 1380.

10. پورعزت، علي اصغر، تصويرپردازي از آينده، استراتژي اقدام در سيستمهاي اجتماعي، سخن سمت، شماره 10، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهها، 1382.

11. پورعزت، علي اصغر، تصويرپردازي از آينده، براي وحدت آفريني بر مدار شهر عدل، تهران: هفدهمين كنفرانس بينالمللي وحدت اسلامي، 1383.

12. حجازي، سيد جمالالدين، پيام امام زمان(عج)؛ مؤسسه الغدير، 1408 هـ.ق.

13. جعفري، يعقوب، بينش تاريخي نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1372.

14. جعفري، محمد تقي، حكمت اصول سياسي اسلام (ترجمه تفسير فرمان مبارك اميرالمؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام به مالك اشتر) تهران، بنياد نهج البلاغه، 1379.

15. رضاييان، علي، مديريت رفتار سازماني، تهران، سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انساني دانشگاهها (سمت) 1379.

16. زيباكلام، فاطمه؛ سير انديشه فلسفي در غرب، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1378.

17. مطهري، مرتضي، مجموعه آثار، ج 18 (جلد سوم از بخش سيره معصومين عليهم السلام)، تهران، انتشارات صدرا، چاپ 1378.

18. نقيپورفر، وليالله، بررسي شخصيت اهل بيت در قرآن (به روش قرآن به قرآن)، تهران، مركز آموزش مديريت دولتي، 1377.

19. حكيمي، محمدرضا، جامعهسازي قرآني، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1378.

1 . مفاتيح، ص 1082

2 . پيام امام زمان، ص 67 (به نقل از حركت العقول).

3 . ر.ك: قرآن كريم، سوره انبياء، آيه 105 و نهجالبلاغه، خطبه شانزدهم.

4 . ر.ك: بررسي شخصيت اهل بيت در قرآن، صص 213 و 214.

5 . ر.ك: الميزان، ج 1، صص 421 - 425.

6 . همان، ج 14، ص 492.

7 . همان، ج 15، صص 212 و 214.

8 . همان، ج 11، ص 468.

9 . ر.ك: نهج البلاغه، ترجمه امامي و آشتياني، خطبه 3، ص 75.

10 . بقره: 117.

11 . ر.ك. سوره رعد، 11.

12 . ر.ك: حكمت اصول سياسي اسلام، ص 405.

13 . در زيارت جامعه كبيره آمده است ((اشهد ان ... و ان ارواحكم و نوركم و طينتكم واحده؛ يعني شهادت ميدهم كه... و اين‌كه ارواح و نور و طينت شما (اهل بيت) تجلي حقيقتي واحد است (مفاتيح، ص 1004).

14 . ر.ك: مرتضي مطهري، مجموعه آثار (ج 18)، صص 37ـ38.

15 . ر.ك: نهج البلاغة، ترجمه امامي و آشتياني، ج 1، خطبه 74، ص 183 و خطبه 3، صص 75 - 77.

.16بلوغ و آمادگي افراد براي انجام هر كار را ميتوان حاصل توانايي پيروان و تمايل آنها به انجام آن فرض كرد (ر.ك: علي رضاييان، مديريت رفتار سازماني، ص 414ـ413).

17 . البته واضح است كه بايد ميان قاطعيت براي نيل به اهداف اجتماعي و استبداد تفاوت قائل شد.

18 . براساس مديريت رفتار سازماني، 403-400.

19 . ر.ك: نهج البلاغه، ترجمه آيتي، خطبه 5، ص 53.

20 . براي آشنايي با استراتژي تصويرپردازي از آينده و تفاوت تصويرپردازيهاي القايي با تصويرپردازيهاي بصيرت بخش و انواع واكنشهاي مواجهه با برنامه هاي القايي، رجوع كنيد به: علي اصغر پورعزت، تصويرپردازي از آينده، تابستان 1382 و ارديبهشت 1383.

21 . ر.ك: فاطمه زيباكلام، سرگذشت سوفسطائيان و شكاكان؛ صص 25- 27.

22 . ر.ك: الواني و شريف زاده، فرآيند خط مشي گذاري عمومي، صص 28 - 40.

23 . ر.ك: بقره،31-33.

24 . پيام امام زمان، ص 113.

25 . ر.ك: بينش تاريخي نهج‌البلاغه، صص 126 و 127 و صحيفه سجاديه، ترجمه رضايي، صص 254 و 255.

26 . براي آشنايي با مفهوم عقلانيت ابزاري و عقلانيت جوهري، ر.ك: سيد مهدي الواني، مديريت عمومي، صص 375-388.